



فصلنامه علمی زبان و ادبیات فارسی

سال سوم، شماره ۴، پیاپی ۹، زمستان ۱۳۹۹

www.qpjournals.ir

ISSN : 2645-6478

نقش استعاره مفهومی در تولید گفتمان انتقادی صمد بهرنگی

(مطالعه موردی قصه «پسرک لبوفروش» براساس نظریه فرکلاف و مدل اقناعی هاوولد و همکاران، و وود و ایلگی)

دکتر ابوالفضل غنی زاده^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

از ص ۴ تا ص ۲۰

DOR : <https://dorl.net/dor/20.1001.1.26456478.1399.3.4.1.7>

چکیده:

به نگاشت قلمروهای متناظر (مبدأ و مقصد) در نظام مفهومی و توسعه معنایی استعاره گفته می‌شود. هاوولد و همکاران (۱۹۵۳) و همچنین وود و ایلگی (۱۹۸۱) در حوزه توسعه معنا و تولید گفتمان معتقدند که استعاره‌گر با استفاده از اعتبار اولیه، ثانویه و نهایی، همچنین قدرت متقاعدسازی از طریق ارتقای اطمینان دانشی در نظام شناختی استعاره‌گیر با استفاده از دامنه منبع و به‌کارگیری کانال ارتباطی مؤثر همچنین رعایت شاخص‌های بافتی و استعانت از راهبردهای کمکی بلاغت به توسعه و افزایش ضریب معنایی (مفهوم‌سازی و تولید گفتمان) متن کمک می‌کند. در پژوهش حاضر استعاره مفهومی قصه «پسرک لبوفروش» صمد بهرنگی و نقش آن در تولید گفتمان انتقادی (تئوری نورمن فرکلاف) مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ در این راستا پس از طرح مقدمه و اشاره اجمالی به مفاهیم پژوهش و تبیین نقش اقناعی استعاره در تولید گفتمان انتقادی قصه، نتیجه‌گیری می‌شود که قلمرو منبع (حسی) استعاره‌های صمد بهرنگی در قصه «پسرک لبوفروش» گزاره ظلم و قلمرو مقصد آن نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی است که از نظام سیاسی سوسیال-دموکرات نشأت گرفته است. نویسنده با تولید این نگاشت‌ها در افکار عمومی به مطالبه توسعه عدالت اجتماعی از طریق تغییر نظام حاکم جامعه کمک می‌کند.

واژگان کلیدی: صمد بهرنگی، داستان، پسرک لبوفروش، استعاره اقناعی و گفتمان انتقادی.

^۱ - استادیار دانشگاه پیام نور تبریز، تبریز، ایران. //نشانی ایمیل: ab.gh9966@gmail.com



۱- مقدمه

در نظام مفهوم‌سازی استعاره، نیرو و توانایی قلمروی مبدأ با همه منابع وابسته‌اش به قلمرو مقصد از طریق نگاشت انتقال یافته و توسعه معنایی صورت می‌گیرد. استعاره‌گر از طریق اعتبار اولیه‌ای که به همراه دارد، وارد جریان نگاشت می‌شود تا با استفاده از ظرفیت اقناعی و ایجاد اعتبار ثانویه به اعتبار نهایی که «مفهوم‌سازی و غلبه بر گفتمان مخالف» (ون‌دایک، ۱۳۸۲: ۴۹) است، دست یابد. شناسایی خصوصیات استعاره گیر، برجسته کردن نقاط هدف و کمک به برطرف کردن نیازهای مخاطب با استفاده از ابزارهای شنیداری، نوشتاری و دیداری برای به حداقل رساندن فرصت تأمل، در این مسیر کمک می‌کند تا اقناع مخاطب به راحتی صورت گیرد؛ همچنین اطمینان دانشی در این مقطع، ضریب پذیرش را در قلمرو مقصد بالا خواهد برد.

«استعاره‌ای که به کار می‌رود ضمن برخورداری از توجیه استدلال باید از بازدارنده‌های لفظی و معنایی (تعقید لفظی و معنایی) و جامع‌های دور از ذهن و پیچیده بکاهد و با ایجاز، جذابیت و گویایی همچنین داشتن مایه‌هایی از هیجان، نیازهای مخاطب را پوشش دهد. استعاره‌های خوش‌ساخت و عاری از پارازیت‌های شناختی و همچنین مؤثر در حوزه‌های عاطفی اعتماد مخاطب را بیشتر جلب می‌کند» (ساسانی، ۱۳۸۳: ۴۵). استفاده از رسانه‌های با اعتبار و خوش‌نام، اثربخشی استعاره را بیشتر کرده و بر فراوانی مشارکت‌کنندگان می‌افزاید همچنین برخورد عمودی و مدیریت ادراکی مخاطب را میسر می‌سازد.

با گزارش‌گیری از متغیرهای بافت و موقعیت، و همراه ساختن راهبردهای بلاغی دیگر مانند روایت، تمثیل، حکایت، سؤالات بلاغی، اشارات کتاب‌های مقدس و ادبی، بهره‌مندی از حالت‌های طنز و طعنه می‌توان دامنه نفوذ معنا را در قلمرو مقصد گسترش داد.

در پژوهش حاضر توانایی استعاره‌سازی صمد بهرنگی براساس نظریه هاولند و همکاران (۱۹۵۳) و همچنین وود و ایلگی (۱۹۸۱) در قصه «پسرک لبوفروش» مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نقش اقناعی وی در تولید گفتمان انتقادی (تئوری نورمن فرکلاف) مشخص گردد.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

۲- پیشینه پژوهش

در مورد آثار صمد بهرنگی پژوهش‌های ارزشمندی انجام یافته است که از جمله آنها می‌توان به مقاله «گفتمان، قدرت و زبان در قصه‌های بهرنگی از دیدگاه تاریخ‌گرایی نوین» نوشته فاطمه محمودی تازه کند، در نشریه نقد



ادبی (۱۳۹۱: ۱۹۱-۱۷۵) اشاره کرد. نویسنده در این مقاله، نشان می‌دهد که گفتمان‌های چندگانه در آثار بهرنگی، از گفتمان‌های انقلابی، سیاسی، ادبی و فرهنگی عصر نویسنده تاثیر پذیرفته است. مقاله‌ای دیگر با عنوان «تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی- انتقادی» نوشته رمضان برخورداری و سید هادی مدنی در نشریه خانواده و پژوهش (۱۳۹۵: ۱۱۶-۹۳) است؛ نویسندگان در این مقاله، قصه‌های صمد بهرنگی را از نظر ویژگی‌هایی؛ نظیر وضعیت طبقاتی، سرکوب اجتماعی، تشویق آگاهی انتقادی و نقد باور غیرموجه انتخاب و... مورد بررسی قرار داده‌اند. عبدالله ولی‌پور و رقیه همتی هم مقاله‌ای با عنوان «در جست‌وجوی کمال مطلوب» در نشریه مطالعات ادبیات کودک، چاپ کرده‌اند (۱۳۹۶: ۱۷۸-۱۶۱) و در آن به بررسی تطبیقی «ماهی سیاه کوچولو» صمد بهرنگی با جانانان مرغ دریایی اثر ریچارد باخ پرداخته‌اند. در جست‌وجوی پیشینه موضوع این جستار و با قید احتیاط، پژوهشی که به صورت مستقل و مبسوط، قصه «پسرک لبفروش» را براساس نظریه فرکلاف و مدل اقناعی هاولند و همکاران، و وود و ایلگی مورد بررسی قرار داده باشد، یافت نشد و این امر ضرورت انجام این پژوهش را آشکار می‌سازد.

۳- روش پژوهش

جستار حاضر به روش تحلیل محتوا؛ یکی از شیوه‌های متداول روش کیفی انجام گرفته است. همان «پژوهشی کیفی که دانش را در درجه اول از طریق گردآوری داده‌های کلامی یا مطالعه جدی و عمقی موارد و سپس عرضه این داده‌ها به استقراء تحلیلی فراهم می‌آورد» (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۲: ۶۰).

۳-۱- سوالات پژوهش

- ۱- صمد بهرنگی در قصه پسرک لبفروش با کدام اعتبار به استعاره‌گری می‌پردازد؟
- ۲- ساختار استعاره در قصه پسرک لبفروش چه ترسیمی دارد؟
- ۳- استعاره‌گیران قصه پسرک لبفروش چه مشخصاتی دارند؟
- ۴- نگاشت استعاره در قصه پسرک لبفروش از چه کانال ارتباطی صورت گرفته است؟
- ۵- در نگاشت‌های استعاره در قصه پسرک لبفروش کدام بافت موقعیتی و راهبردهای بلاغی برجستگی دارد؟

۴- چارچوب نظری

۴-۱- الگوی متقاعد سازی



هاولند و همکاران در ارائه الگوی متقاعدسازی خود، فرایند تأثیر پیام را در شش گانه‌های زیر تبیین می‌کنند؛ «۱- مواجهه با پیام ۲- توجه به پیام ۳- درک پیام ۴- پذیرش پیام ۵- حفظ نگرش پیام ۶- تبدیل نگرش به رفتار» (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳: ۸۴-۱۰۸). و وود و ایلگی این فرایند را در چهار مرحله خلاصه کرده است؛ «۱- منبع پیام ۲- پیام ۳- کانال انتقال ۴- مخاطب (شنونده)» (وود و همکار، ۱۹۸۱: ۲۴۸). فیروز فاضلی و همکار در مقاله "الگوی اقناعی استعاره در گفتمان اجتماعی- سیاسی" با استفاده از دو نظریه یادشده برای فرایند استعاره، پنج مرحله پیش‌بینی کرده است: «۱- استعاره ۲- استعاره‌گر ۳- استعاره‌گیر ۴- کانال ارتباطی ۵- بافت» (فاضلی و همکار، ۱۳۹۴: ۹۱). در پژوهش حاضر برای بررسی نقش اقناعی استعاره مفهومی در ظهور گفتمان انتقادی صمد بهرنگی؛ (مطالعه موردی قصه "پسرک لب‌فروش") الگوی اخیر، چارچوب تحقیق قرار می‌گیرد.

۴-۲- گفتمان انتقادی

نورمن فرکلاف یکی از شخصیت‌های برجسته در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نظر او تحلیل گفتمان روشی است که در کنار سایر شیوه‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و مرجعی است که در ستیز با استعمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد. فرکلاف معتقد است تلاش‌های اولیه در مورد زبان‌شناسی انتقادی به اندازه کافی بر کنش‌های تغییر مخاطبان تمرکز نداشته است. او مدعی است که فعالان حوزه زبان‌شناسی انتقادی در اغلب موارد در کارهای خود بر این پیش‌فرض بودند که مخاطبان، متون را دقیقاً به همان روش تحلیلگر تفسیر می‌کنند و مطالعات اولیه در حوزه زبان‌شناسی انتقادی بیشتر حول محور تحلیل‌گرایی و لغوی بوده است و به تحلیل بینامتنی متون توجه بسیار کمی کرده‌اند.

«تحلیل زبان‌شناختی بر اجزای جمله تمرکز زیادی داشته است؛ درحالی‌که به سازمان‌های سطح بالاتر از کل متن بی‌توجه بوده است» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۲۸-۱۳۱). به این دلیل بود که «فرکلاف در مطالعات اولیه خود رویکردش را در حوزه زبان و گفتمان، «مطالعه زبان انتقادی» نام نهاد. او هدف این رویکرد را کمک به ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی- استثماری دانست که از طریق ایجاد تمرکز بر زبان، این روابط را تعریف می‌کند» (همان: ۱۱۹) فرکلاف بر این باور است که «در متن، مجموعه‌ای از عناصر هست که علاوه بر اینکه به یکدیگر مرتبط‌اند، کلیتی را می‌سازند که به آن گفتمان می‌گویند. متن در درجه اول به آن کلیت وابسته» (همان: ۱۴۱) است.

در نگاه وی «متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است که در فرایند تولید و تفسیر متن مؤثرند. فرایند تولید و تفسیر دارای تعامل و کنش دوسویه‌اند و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌کنند. هر متنی علاوه بر بافت



متن و فرایند تفسیر آن از شرایط اجتماعی متأثر است که متن در آن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیری بیشتر نسبت به بافت متن و فرایند تولید و تفسیر آن دارد» (یارمحمدی، ۱۳۸۸: ۴۲).

فرکلاف تحلیل گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند.

سطوح گفتمان از نظر وی عبارت است از:

۱- سطح توصیف: سطح اول گفتمان به مثابه متن است.

۲- سطح تفسیر: سطح دوم گفتمان به مثابه تعامل بین فرایند تولید و تفسیر متن است.

۳- سطح تبیین: سطح سوم به عنوان سطح کلان است که گفتمان به مثابه زمینه عمل می‌کند.

«مرحله توصیف به تحلیل مقوله‌های زبان‌شناسی گفتمان، فارغ از نقش زمینه می‌پردازد. مرحله تفسیر به روابط موجود بین روندهایی می‌پردازد که باعث تولید و درک این گفتمان می‌شود و دانش زمینه تولید متن و نسبت گفتمان با ساختارهای اجتماعی است. مرحله تبیین نیز گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند» (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۵۴).

در پژوهش حاضر سطح تبیینی قصه «پسرک لبوفروش» مورد تحلیل قرار می‌گیرد تا مشخص شود صمد بهرنگی در تعامل با سلطه، چه رویکردی دارد؟ و چقدر در ستیز با استعمار و سلطه و ایجاد آگاهی در مورد روابط اجتماعی- استثمارگری کمک می‌کند؟

۴-۳- از استعاره سنتی تا نظریه‌های معاصر

«استعاره در معنای سنتی خود، به تشبیه فشرده‌ای اطلاق می‌شود که وظیفه انتقال معنا را برعهده دارد؛ اما نظریه معاصر استعاره، در چارچوب معناشناسی شناختی، به تبیین استعاره می‌پردازد» (صفوی، ۱۳۸۳: ۴۶-۵۱). این نظریه مدعی است که نه تنها زبان، بلکه شیوه درک ما از مقولات انتزاعی جهان بر مبنای استعاره استوار است «استعاره با کنار هم آوردن عناصری که کنش و واکنششان بعد جدیدی به هر دو می‌بخشد، واقعیت جدیدی خلق کرده و آن را در قالب زبان حفظ می‌کند؛ زیرا آن را به این ترتیب در دسترس همه کسانی قرار می‌دهد که بدان زبان سخن می‌گویند» (هاوکس، ۱۳۷۷: ۹۵) و بر این اساس استعاره اساساً فرآیندی ذهنی و شناختی شمرده می‌شود. «معناشناسان شناختی معتقدند که استعاره عنصری بنیادین در مقوله‌بندی و درک انسان از جهان خارج و نیز در



فرآیند اندیشیدن است؛ بنابراین در این رویکرد، استعاره مفهومی نوینی می‌یابد و به هرگونه فهم و بیان یک مفهوم انتزاعی در قالب تصورات ملموس تر گفته می‌شود» (سجودی، ۱۳۹۱: ۱۳۶).

«ماهیت استعاره، مفهوم‌سازی است» (فرقانی، ۱۳۸۲: ۹۴) یعنی معمولاً حوزه معنایی پیچیده و انتزاعی را با حوزه معنایی ساده و ملموس قیاس کرده و از آن طریق حوزه پیچیده و انتزاعی را قابل فهم می‌کنند. «در استعاره حوزه مفاهیم پیچیده بر حسب حوزه مفاهیم ملموس، فهم و درک می‌شود» (راسخ، ۱۳۹۲: ۲۶)؛ به عبارت دیگر «استعاره مفهومی تجربه‌های فرد در حوزه‌های مشخص ملموس را به کار می‌گیرد و او را قادر می‌سازد تا مقوله‌هایی را که در حوزه‌های ناشناخته و نامأنوس هستند، درک کند» (لیکاف، ۱۹۸۰: ۱۲۴). به همین خاطر است که علی معصومی و مریم کردبچه بر این باورند که «استعاره، گذاری است از حوزه ملموس به حوزه ناملموس. به عبارت دیگر، حوزه مقصد از طریق حوزه مبدأ فهمیده می‌شود؛ زیرا که شباهت‌ها یا مطابقت‌هایی میان این دو حوزه وجود دارد» (معصومی و کردبچه، ۱۳۸۹: ۸۴).

با این تعریف استعاره فقط «یکی از ابزارهای تخیل شاعرانه و ویژگی زبانی نیست، بلکه در زندگی روزمره و نیز در اندیشه و عمل ما جریان دارد» (عابدی، ۱۳۹۱: ۲۴-۳۱). بر اساس دیدگاه لیکاف و جانسون استعاره اساساً روشی است که «از طریق آن مفهوم‌سازی یک حوزه از تجربه در قالب حوزه‌های دیگر بیان می‌شود. حوزه مقصد معمولاً انتزاعی‌تر و حوزه مبدأ عینی‌تر و ملموس‌تر است. آن‌ها استعاره‌های مفهومی را به سه دسته هستی‌شناختی، ساختاری و جهتی تقسیم کرده‌اند» (گلفام و یوسفی‌راد، ۱۳۸۱: ۶۱).

۵- خلاصه قصه

این قصه که احتمالاً از خاطرات دوران معلمی صمد بهرنگی هست، داستان زندگی پسرک لبوفروشی است به نام تاری وردی. او متعلق به خانواده روستایی و فقیری است که پدرش را که یک قاچاقچی بوده، امنیه‌ها روی اسب زده و کشته‌اند و اکنون او با مادر مریض و خواهر جوانش زندگی می‌کند. هر دو خواهر و برادر در یک کارگاه قالیبافی متعلق به حاجی قلی، کار می‌کرده‌اند. حاجی قلی به خواهر نظر بدی داشته که پسرک پس از آنکه متوجه قضیه می‌شود با وی درگیر شده، او را زخمی کرده و فرار می‌کند. اما حاجی قلی با حيله‌گری پسرک را گیر آورده و انتقام زخمش را از او می‌گیرد. پس از این حوادث، خواهر و برادر به کار خود در کارگاه حاجی قلی پایان می‌دهند و زندگی خود را با لبوپزی خواهر و فروش آن توسط برادر می‌گذرانند و نهایتاً موفق می‌شوند که اوضاع خود را جمع‌وجور کنند؛ ابتدا خواهر به خانه بخت برود و سپس برادر می‌گذرانند و نهایتاً موفق می‌شوند که اوضاع خود را جمع‌وجور می‌رود و می‌بیند؛ تاری وردی گوسفند می‌چراند و برای عروسی خودش پول جمع می‌کند.



۶- بحث و بررسی

نقد ارکان استعاره و تحلیل استعاره مفهومی قصه «پسرک لبوفروش» مشخص می کند که صمد بهرنگی با نگاشت «نابرابری اجتماعی، ظلم و تعدی است»، چقدر در جریان سازی گفتمان انتقادی موفق بوده و با دخالت دادن متغیرهای سیاسی دوره اعتراض، همچنین رعایت موقعیت زمانی، چقدر در ترسیم آشفته گی اجتماعی و اقتصادی و همچنین تشریح ناکارآمدی سیاسی اثربخش عمل کرده است.

۶-۱- نقد

۶-۱-۱- ساختار استعاره

۶-۱-۱-۱- قلمروهای مبدأ (منبع) و مقصد

انتقال انباشت قلمرو مبدأ (حسی و تجسمی) به قلمرو مقصد (ذهنی و انتزاعی) از طریق نگاشت صورت می گیرد. هر نگاشت مجموعه ای است از تناظر مفهومی فراتر از واژه و عبارت است. به تعبیر دیگر استعاره مفهومی، مجموعه ای است از دو قلمرو حسی و ذهنی که در تناظر هم قرار دارند.

استعاره اصلی قصه پسرک لبوفروش چنین نگاشت می شود: «نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی ظلم و تعدی است».

قلمرو مبدأ: ظلم و تعدی

قلمرو مقصد: نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی

برای اینکه مفاهیم قلمرو مقصد در نظام فکری استعاره گیر قابل درک شود و به اقناع نگرش بیانجامد از انباشت قلمرو مبدأ - که بیشتر حسی است و قابل تجسم - استفاده می شود.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

۶-۱-۱-۲- استدلال

«فرایند استعاره در صورتی به نتیجه شناختی - اقناعی مؤثر منجر خواهد شد که بازدارنده های لفظی و معنایی (تعقید لفظی و معنایی و جامع های دور از ذهن و پیچیده) به حداقل خود رسیده و استدلال استعاره به سمت توجیه



حداکثری خود پیش برود» (وود و ایگلی، ۱۹۸۱: ۲۴۹). در قصه «پسرک لبوفروش» ترسیم دو طبقه بالادست و پایین دست جامعه واضح و صریح صورت گرفته و ساختار استعاره را از استدلال بی نیاز ساخته است.

مؤلفه‌هایی نظیر بی سرپرستی، نیاز، فقر، فلاکت توأم با آبرو برای طبقه پایین دست و پول، ثروت، قدرت، زورگویی قهری و غیراخلاقی برای طبقه بالادست، شاخص‌های شناسایی به حساب می‌آیند.

۶-۱-۱-۳- خوش ساخت

«استعاره موجز، جذّاب و گویا با مایه‌های هیجانی، پذیرش آن را تقویت می‌کند» (همان، ۲۵۱). فرایند داستان پسرک لبوفروش از انباشت قلمرو مبدأ، به تدریج جذّاب، گویا و متناسب موقعیت کمک می‌گیرد.

۶-۱-۱-۴- پارازیت شناختی

استعاره وقتی در مسیر جوابگویی به مطالبات و نیازهای مخاطب قرار گیرد در حوزه‌های عاطفی وی به راحتی تأثیر می‌گذارد. «ساختار استعاره نباید با نظام ارزشی و شناختی مخاطب در تقابل و تضاد باشد» (همان، ۲۵۲). در قصه «پسرک لبوفروش» انباشت و منابع قلمروی مبدأ از ارزش‌ها، مشکلات، هستی و طبقات جامعه روستایی برخوردار است.

۶-۱-۱-۵- نگرش

«استعاره وقتی از نظر معرفتی مؤثر و قابل اعتماد واقع شود، نگرش مخاطب را به راحتی تحت الشعاع خود قرار می‌دهد» (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳: ۸۵). قلمروی مقصد در پسرک لبوفروش، نابرابری اجتماعی و تبیین شکاف فاحش طبقاتی است. انباشت قلمروی مبدأ به دلیل همخوانی با مشکلات و سطح معرفتی جامعه روستایی، تأثیر دانشی و اعتماد نگرشی تولید می‌کند.

فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی

۶-۱-۲- استعاره گر

۶-۱-۲-۱- اعتبار اولیه (دارایی)



استعاره‌گر قبل از ورود به فرایند استعاره از اعتبار مثبت یا منفی برخوردار است که بر جذابیت و باورپذیری وی تأثیر اساسی دارد. «ارسطو سخنران معتبر را قدرتمندترین وسیله اقناع می‌داند. دارایی‌های اعتقادی، جسمی، روانی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تحصیلات، رشته تخصصی، توان اقتصادی، لحن و سخنوری، قد و وزن، سن و جنس، جمال و خوش خلقی و قدرت‌هایی نظیر قدرت قهری، پاداشی، قانونی، تخصصی، مرجع و ... در فرایند اقناعی استعاره تأثیر دارد» (همان: ۸۶).

نویسنده داستان مورد بحث از هستی انتقادی - سیاسی برخوردار است. صمد بهرنگی با تولید مقالات و قصه‌های سیاسی - انتقادی خود در دوره اعتراض (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷) گفتمان انقلاب را در کنار سایر نویسندگان، شاعران و هنرمندان، خیلی آتشین همراهی می‌کرد. مجموعه مقالات و قصه‌هایی که در دوره اعتراض از خلاقیت صمد بهرنگی به ظهور می‌رسید در تدابیر راهبردی انقلابیون و گفتمان غالب انتقادی نقش بسزای ایفا می‌کرد.

۶-۱-۲-۲- اعتبار ثانویه (توانایی)

«توان اقناعی استعاره‌های فرستاده‌شده، به میزان هماهنگی آن با نیازهای مخاطب و سطح دانش آن‌ها بستگی دارد» (همان: ۸۷). بهرنگی همواره تلاش دارد نوعی اعتراض و مشروعیت زدایی را در ذهن مخاطب خود برجسته کند. قصه «پسرک لبوفروش» از آن نوع نوشته‌هایی است که بر نوعی عقلانیت انتقادی در ایدئولوژی نویسنده دلالت دارد. نویسنده با تقابل ثروتمندان و فقرای جامعه سعی دارد نابرابری اجتماعی و تضاد طبقاتی را برملا سازد و با به‌کارگیری قدرت اقناعی با مشروعیت‌زدایی از چهره حاکمیت وقت، مردم را با دیدگاه‌های انقلابی زمان پیوند زند.

۶-۱-۲-۳- اعتبار نهایی (قدرت)

اعتبار نهایی، قدرتی است که در نتیجه «مفهوم‌سازی و مقابله آن با گفتمان مخالف» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۴۹) محقق می‌شود. استعاره‌های مفهومی و ساختارهای تمثیلی داستان‌های صمد بهرنگی به صراحت و دلالت مستقیم، رودرروی قدرت حاکم ایستاده و عقلانیت زمان را خیلی انتقادی - انقلابی در دل ایدئولوژی جاری آتشین می‌سازد. قصه «پسرک لبوفروش» این نویسنده سیاسی دوره اعتراض از نگاه تحلیل گفتمان، کارکردها و رویکردها قابل تأمل است.

۶-۱-۳- استعاره‌گیر

۶-۱-۳-۱- شناسایی



«مخاطبان دارای ویژگی‌های کمی، کیفی ذهنی، بیرونی و ... هستند. شناسایی و ورود به دسته‌بندی آن‌ها با لحاظ کردن مؤلفه‌های سن، جنس، مذهب، انگیزه، عزت‌نفس، سطح زندگی و ... و همچنین رعایت ارزش‌ها و علایق استعاره‌گیر ضریب اقناع را افزایش می‌دهد» (همان: ۹۰). صمد بهرنگی در خرداد ۱۳۳۶ از دانشسرای مقدماتی تبریز فارغ‌التحصیل شد و از مهر همان سال و در حالی که تنها ۱۸ سال داشت به آموزگاری پرداخته و تا پایان عمر کوتاهش، در آذرشهر، ماماغان، قندجهان، گوگان و اخيجان در استان آذربایجان شرقی که آن زمان روستا بودند تدریس کرد. حضور در روستا، شناسایی ارزش‌ها و علائق استعاره‌گیر را برای نویسنده محقق ساخته است.

۶-۱-۳-۲- ارتباط‌گیری

«در نوع نگاشت استعاره‌های انتزاعی و اقناع‌نگرش باید به تفاوت‌های فردی، اعم از استعداد و توانایی و ... استعاره‌گیر اهمیت داد» (فاضلی و همکار، ۱۳۹۴: ۹۳). قصهٔ پسرک لبوفروش در دورهٔ اعتراض نوشته شده است؛ دوره‌ای که هنوز مدرنیته نتوانسته بود چهره و سبک زندگی سنتی را دگرگون سازد و سبک زندگی غالب جامعه، سبک روستایی بود. عناصر داستان اعم از صحنه، مکان، شخصیت، لحن و حتی پی‌رنگ و طرح، گیرنده‌های استعاره را ملاحظه کرده است.

۶-۱-۳-۳- اطمینان دانشی

لاندو، رایینسون و مایر (۲۰۱۳) در پژوهشی نشان داده‌اند که «دانش مخاطب چگونه در نگاشت‌برداری از مسائل انتزاعی تعدیل و تضعیف می‌شود» (لاندو و همکاران، ۲۰۱۳: ۴۸). و وود و ایگی نیز بر این باورند که «دانش و آگاهی افراد از استعاره‌های یکسان، تفاوت‌های تفسیری تولید می‌کند» (وود و ایگلی، ۱۹۸۱: ۲۵۴). در دوره اعتراض، بین فاصلهٔ سالهای ۱۳۴۲-۱۳۵۷ سطح دانشی جامعه در موقعیت نزدیک به هم قرار داشت. بهرنگی طرح قصهٔ خود را از جامعهٔ روستایی انتخاب کرده است و این انتخاب، همخوانی سطح دانشی جامعه را در تراز سنت تقویت می‌کند.

۶-۱-۴- کانال ارتباطی

۶-۱-۴-۱- اعتبار

استفاده از رسانه‌های با اعتبار و خوش‌نام، اثربخشی استعاره را بیشتر کرده و بر فراوانی مشارکت‌کنندگان می‌افزاید همچنین بر خورد عمودی و مدیریت ادراکی مخاطب را میسر می‌سازد. در دورهٔ اعتراض، ادبیات اعم از داستان، قصه و شعر، ظرفیت آشنا و قابل‌اعتمادی برای انتقال مفاهیم اجتماعی-سیاسی بوده است.

۶-۱-۴-۲- ابزار



نقص ابزار یا دشواری دسترسی به رسانه می‌تواند موانع محکمی در انتقال پیام و مفهوم‌سازی آن ایجاد کند. «ابزار شنیداری، نوشتاری و تصویری، فرصت تأمل را از مخاطب می‌گیرد و انتقال مفهوم قلمروی مبدأ را به مقصد به سهولت فراهم می‌سازد» (هاولند و همکاران، ۱۹۵۳: ۹۲). در دورهٔ اعتراض مراکز چاپ و انتشار تنوع و انبوهی داشت و نوشته‌های شب‌نامه‌ای و زیرزمینی نیز در این راستا در انتقال مفاهیم انتقادی-سیاسی نقش ایفا می‌کرد. لایه‌های تودرتو و پیچیدهٔ ادبیات؛ اعم از شعر و داستان در این دوره، ابزار کارآمد به شمار می‌رود.

۶-۱-۵- بافت (موقعیت، زمان، متن و ...)

«نگرش حاصل از استعاره به عوامل متعددی از قبیل استعاره‌گر، استعاره‌گیر، ساختار استعاره، کانال ارتباطی وابسته است که هر کدام با توجه به موقعیت زمانی و شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تولید نگرش از ضریب تأثیر برخوردارند» (فاضلی و همکار، ۱۳۹۴: ۹۵). دورهٔ اعتراض که فاصلهٔ سال‌های ۱۳۴۲ - ۱۳۵۷ را در تاریخ معاصر ایران به خود اختصاص می‌دهد، صف‌آرایی نظام سیاسی-راهبردی پهلوی در مقابل احزاب و گروه‌های مخالف و معترض تلقی می‌شود و ادبیات، هنر و رسانهٔ این دوره، تمام ظرفیت و توانایی خود را با افکار انتقادی-انقلابی همراه و همدل ساخت و گفتمان انقلاب را روزبه‌روز تقویت و تحکیم و سرانجام در بهمن ۱۳۵۷ به نتیجه پیروزی رساند.

ناکامی دورهٔ مشروطیت، افکار انتقادی-انقلابی و دغدغهٔ ادبیات را بیش‌از پیش و منسجم‌تر از گذشته در دل هم فرورید طوریکه در ادامه مسیر به خوبی همدیگر را همراهی کرده، بدون قطع رابطه، بسته به موقعیت سیاسی زمان از طریق تولید واژگان، مفاهیم، عبارات و متن، قصه و داستان و ... گفتمان انقلابی را توسعه می‌دادند.

۶-۱-۵-۱- گزارش‌گیری

«گزارش‌گیری از متغیرهای موقعیتی، کمک می‌کند که در گزینش طرح استعاره و تناسب به کارگیری آن بر اساس فهم و نیاز مخاطب، عملکرد کارآمدی رقم بخورد» (وود و همکار، ۱۹۸۱: ۲۵۵) و «آشفته‌گی سیاسی، ناکارآمدی اداری و نابسامانی سیاسی متغیرهایی هستند که فضای جامعه را در دوره اعتراض به سمت نارضایتی عمومی پیش بردند» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۹۲). این متغیرها در دامنه منابع "قصه پسر لب‌فروش" انباشت قابل قبولی دارد.

۶-۱-۵-۲- استعانت

«همراه ساختن راهبردهای بلاغی دیگر نظیر روایت، تمثیل، حکایت، سؤالات بلاغی، اشارات کتاب‌های مقدس و ادبی، بهره‌مندی از حالت‌های طنز و طعنه و ... می‌تواند دامنه نفوذ معنا را در قلمرو مقصد گسترش دهد» (همان:



۲۵۷). مثل اکثر قصه‌های دیگر، صمد بهرنگی در این قصه نیز از فاصله طبقاتی، بی‌عدالتی و فقر می‌نالد. او با به تصویر کشیدن فقر و فلاکت، تنفر خود را از سرمایه‌داران و استثمارگران ابراز داشته و بی‌عفتی‌های امثال حاجی قلی فرش‌باف را فاش می‌سازد. قهرمانان قصه در بدترین شرایط سیاسی به مبارزه برخاسته و برای توسعه عدالت اجتماعی تلاش می‌کنند. بهرنگی در داستان‌های خود معمولاً به هر آن کسی که در مقابل ظلم و جور می‌ایستد و مبارزه می‌کند، نوید رهایی می‌دهد.

۶-۲- کوتاه سخن

استعاره اصلی قصه پسرک لبوفروش چنین نگاشت می‌شود که «نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی ظلم و تعدی است».

قلمرو مبدأ: ظلم و تعدی

قلمرو مقصد: نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی

برای اینکه مفاهیم قلمرو مقصد در نظام فکری استعاره‌گیر قابل درک شود و به اقناع نگرش بیانجامد از انباشت قلمرو مبدأ که بیشتر حسی است و قابل تجسم، استفاده می‌شود. در قصه «پسرک لبوفروش» ترسیم دو طبقه بالادست و پایین‌دست جامعه واضح و صریح صورت گرفته و ساختار استعاره را از استدلال بی‌نیاز ساخته است. مؤلفه‌های بی‌سرپرستی، نیاز، فقر و فلاکت توأم با آبرو برای طبقه پایین‌دست و پول، ثروت، قدرت و زورگویی قهری و غیراخلاقی برای طبقه دوم شاخص‌های شناسایی به حساب می‌آیند.

فرایند قصه از انباشت قلمرو مبدأ، نرم نرمک، جذاب، گویا و متناسب موقعیت کمک می‌گیرد. انباشتی که از ارزش‌ها، مشکلات و هستی و طبقات جامعه روستایی برخوردار است و نابرابری اجتماعی و تبیین شکاف فاحش طبقاتی را تبیین کرده و به دلیل همخوانی با مشکلات و سطح معرفتی جامعه روستایی تأثیر دانشی و اعتماد نگرشی تولید می‌کند.

نویسنده قصه «پسرک لبوفروش» از «هستی انتقادی - سیاسی» (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۹۲) برخوردار است. وی با تولید مقالات و قصه‌های سیاسی - انتقادی خود در دوره اعتراض (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷) گفتمان انقلاب را در کنار سایر نویسندگان، شاعران و هنرمندان خیلی آتشین همراهی می‌کرد. مجموعه مقالات و قصه‌هایی که در دوره اعتراض از خلاقیت صمد به ظهور می‌رسید در تدابیر راهبردی انقلابیون و گفتمان غالب انتقادی نقش بسزا ایفا می‌کرد.



بهرنگی همواره تلاش دارد نوعی اعتراض و مشروعیت‌زدایی را در ذهن مخاطب خود برجسته کند. قصه «پسرک لبوفروش» از نوع نوشته‌هایی است که بر «نوعی عقلانیت انتقادی در ایدئولوژی» (بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۹) نویسنده دلالت دارد. نویسنده با تقابل ثروتمندان و فقرای جامعه سعی دارد نابرابری اجتماعی و تضاد طبقاتی را برملا سازد و با به‌کارگیری قدرت اقناعی با «مشروعیت‌زدایی از حاکمیت» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۴) وقت، مردم را با دیدگاه‌های انقلابی زمان پیوند زند.

استعاره‌های مفهومی و ساختارهای تمثیلی داستان‌های صمد بهرنگی به‌صراحت و دلالت مستقیم رودرروی قدرت حاکم ایستاده و عقلانیت زمان را خیلی انتقادی-انقلابی در دل ایدئولوژی جاری آتشین می‌سازد.

۷- نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های به‌عمل آمده به این نتیجه رسیدیم؛ که

۱- قصه پسرک لبوفروش با نگاشت «نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی ظلم و تعدی است» انباشت قلمرو مبدأ (ظلم و تعدی) را به قلمرو مقصد (نابرابری اجتماعی و فاصله فاحش طبقاتی) انتقال داده است تا ضمن گسترش معنا به درک محتوا سهولت بخشد. استعاره‌گر با برخورداری از اعتبار اولیه و قدرت اقناعی در تفهیم قلمروی مقصد به‌خوبی عمل کرده و پایان قصه را از اعتبار نهایی «مفهوم‌سازی و غلبه بر گفتمان مخالف» (ون دایک، ۱۳۸۲: ۴۹) برخوردار ساخته است.

۲- حضور چندین ساله نویسنده در جوامع روستایی، شناسایی و ارتباط‌گیری با استعاره‌گیر را به‌راحتی میسر ساخته و باعث شده است تحصیل اطمینان دانشی از محتوای داستان به سهولت میسر گردد.

۳- انتخاب قصه به‌عنوان رسانه آشنا و دارای نام و اعتبار انتقال مفاهیم اجتماعی-سیاسی مخصوصاً در حوزه‌های انتقادی، کانال ارتباطی استعاره را تقویت نموده است.



۴- صمد بهرنگی در قصهٔ پسرک لبوفروش با به‌کارگیری استعارهٔ کارآمد و نگاشت جریان ساز، گفتمان انتقادی-سیاسی را در جهت مشروعیت‌زدایی از رژیم حاکم، برای توسعهٔ عدالت اجتماعی و حذف نابرابری طبقاتی مفهوم‌سازی کرده است.



فصلنامه تخصصی زبان و ادبیات فارسی



منابع

- آقاگل زاده، فردوس (۱۳۸۵) تحلیل گفتمان انتقادی، تهران: علمی و فرهنگی.
- بشیریه، حسن. (۱۳۸۴) تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- برخورداری رمضان و مدنی، سید هادی. (۱۳۹۵). «تحلیل محتوای کیفی قصه‌های صمد بهرنگی به منظور بررسی امکان استخراج مضامین تربیتی-انتقادی»، نشریه خانواده و پژوهش، دوره ۱۳، شماره ۳۰، صص ۹۳ - ۱۱۶.
- بهرنگی، صمد. (۱۳۹۷)، قصه‌های بهرنگ، تبریز: نشر گنجینه دانش.
- تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۳)، گفتمان، یادگفتمان و سیاست، تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- راسخ، محمد. (۱۳۹۲)، درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی (نظریه‌ها و مفاهیم)، تهران: سمت.
- ساسانی، فرهاد. (۱۳۸۳)، استعاره، مبنای تفکر و زیبایی‌آفرینی، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری، سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- سجودی، فرزانه. (۱۳۹۱)، «بررسی معناشناختی استعاره‌ی زمان در داستان‌های کودک به زبان فارسی»، فصلنامه نقد ادبی، س ۵، شماره ۱۹، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- صفوی، کوروش. (۱۳۸۳)، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- صفریان، سلمان. (۱۳۹۱)، تحلیل محتوای آثار صمد بهرنگی، تهران: اندیشه نو.
- عابدی، مهدیه. (۱۳۹۱)، مقایسه استعاره‌های مفهومی در فارسی نوشتاری روزمره و شعر معاصر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی. تهران: دانشگاه پیام نور.
- فاضلی، فیروز و سلطانی، بهروز (۱۳۹۴)، «الگوی اقناعی استعاره در گفتمان اجتماعی - سیاسی»، ش ۸، صص ۹۱-۱۱۴.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۲)، راه دراز گذار، تهران: فرهنگ و اندیشه.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹)، تحلیل گفتمان انتقادی، مترجمان فاطمه شایسته پیران و دیگران، ویراستاران محمد نبوی و مهران مهاجر. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- گال، مردیت‌دامین و بورگ، والتر و گال، جویس (۱۳۸۲)، روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (جلد اول)، ترجمه زهره خسروی و همکاران، تهران: سمت.



- گلفام، ارسلان و یوسفی‌راد، فاطمه (۱۳۸۱)، «زبان‌شناسی شناختی و استعاره»، تازه‌های علوم شناختی، د ۴، ش ۳ (پیاپی ۱)، صص ۵۹ - ۶۴.
- لیکاف، جورج و جانسون، مارک (۱۳۹۴)، استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم، ترجمه هاجر آقابراهیمی، تهران: علمی.
- محمودی تازه کند، فاطمه. (۱۳۹۱)، «گفتمان، قدرت و زبان در قصه‌های بهرنگی از دیدگاه تاریخ‌گرایی نوین»، نشریه نقد ادبی، بهار ۱۳۹۱، دوره ۵، شماره ۱۷، صص ۱۷۵ - ۱۹۱.
- معصومی، علی و کردبچه، مریم (۱۳۸۹)، «استعاره‌های هستی‌شناختی در دست‌نوشته‌های کودکان»، پازند، سال ششم، شماره ۲۲ و ۲۳، صص ۷۹-۹۷.
- ولی‌پور، عبدالله و همتی، رقیه (۱۳۹۶)، «در جست‌وجوی کمال مطلوب» (بررسی تطبیقی ماهی سیاه کوچولو» نوشته صمد بهرنگی با جانانان مرغ دریایی اثر ریچارد باخ)، نشریه مطالعات ادبیات کودک، پاییز و زمستان ۱۳۹۶، دوره ۸، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، صص ۱۶۱ - ۱۷۸.
- میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳)، فرایند تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ون‌دایک، تئون‌ای (۱۳۸۲)، مطالعاتی در تحلیل گفتمان، ترجمه تژا میرفخرایی و دیگران، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- هاوکس، ترنس (۱۳۷۷)، استعاره، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۸)، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، تهران: انتشارات هرمس.

ب-لاتین

- Landau, M.J. M.D. Robinson & B.P. Meier (2013). *The Power of Metaphor: Examining Its Influence on Social Life*. Washington, DC: APA Press.
- Hovland, C.I. I.L. Janis & H.H. Kelley (1953). *Communication and Persuasion*. New Haven, Corm: Yale University Press.
- Wood, W.L. & A. AT. Eagly. (1981). "Stages in the Analysis of Persuasive Message". *Journal of Personality and Social Psychology*. Vol. 40. pp. 246-259.



The role of conceptual metaphor in producing critical discourse by Samad Behrangi (A case study of "The Little Boy's Tale" based on Falkloff's theory and the persuasive model of Holland and Fellow authors, and Wood and Ilgie)

Abolfazl ghanizadeh²

Abstract

English The metaphor is the mapping of the respective territories (origin and destination) in the conceptual system and the semantic development.

Howland et al. (1953) as well as Wood and Ilgie (1981) in the field of meaning development and discourse production: The metaphor uses primary, secondary and final validity as well as the power of persuasion, by enhancing knowledge confidence in the metaphorical cognitive system, by The use of source domain and the use of effective communication channels also help in the development and enhancement of the semantic coefficient (conceptualization and production of discourse) of the text, as well as the adherence to contextual indices and the ability to use rhetorical auxiliary strategies.

The present study investigates the conceptual metaphor of Samad Bahrangi's "The Little Boy's Tale" and its role in the production of critical discourse (Norman Falkloff's theory). Critically the story concludes that the source (intuitive) territory of Samad Behrangi's metaphors in The Little Boy's Tale is that of cruelty and its intended destination is the social inequality and the overwhelming class distance that came from the social-democratic political system. By producing these mappings in public opinion, the author contributes to the development of social justice by changing the ruling system of society.

Key words: English "Story", "Samad Behrangi", "Persuasive Metaphor", " Critical Discourse ", "Little Boy

² - Assistant professor of payam noor university.iran.Tabriz, Iran. Email: ab.gh9966@gmail.com